



زیارت حسین (ع) از نظر یک عالم حنفی قرن 6 هجری

شمس الدین محمد معروف به ابن مازہ متوفای 566 در مسیر حج، از کربلا گذشت و در کتابی که نوشت امیدوارانه ترین زیارت را در مسیر طولانی حج را از بخارا تا مکه، زیارت حسین بن علی (ع) دانست.

شمس الدین محمد معروف به ابن مازہ متوفای 566 در مسیر حج، از کربلا گذشت و در کتابی که نوشت امیدوارانه ترین زیارت را در مسیر طولانی حج را از بخارا تا مکه، زیارت حسین بن علی (ع) دانست. ابوجعفر شمس الدین محمد بن عمر بن عبدالعزیز بن مازہ، رئیس حنفیان بخارا در سال 552 همراه شمار زیادی از مریدانش به حج رفت. وی در این سفر مادر خویش را به همراه برد و کتابی با نام لطائف الاذکار نوشت تا به مریدان بگوید که در مسیر از شهرهایی که عبور می کنند به زیارت چه کسانی بروند. این فقیه بزرگ که یکی از علمای برجسته خاندان ابن مازہ بود، مزارات تک تک شهرها را که از عرفا و مشایخ بودند شرح داد. اول از بخارا گفت. سپس از مرو و سرخس. بعد از نیشابور و بسطام و ری تا رسید به همدان و کرمانشاه و بغداد که آنجا را هم مفصل گفت. سپس بر مزار امام علی (ع) در نجف رفت. و آنگاه از کربلا یاد کرد. این نخستین سفرنامه حج فارسی است که در آن از کربلا و مزار حسین بن علی (ع) شده است. نسخه منحصر این کتاب اکنون تصحیح شده و طی روزهای آتیه نسخه چاپ شده تقدیم علاقه مندان خواهد شد. اما به مناسبت ایام عاشورا عباراتی که وی در باره زیارت حضرت حسین (ع) دارد تقدیم می کنم. این که یک عالم بزرگ سنی حنفی این چنین از زیارت حسین (ع) یاد می کند، با آنچه امروز سلفیان تکفیری تفجیری که حرفه شان توهین و قتل مخالفین است، چه قدر تفاوت دارد بماند. شگفتا که وقتی ابن مازہ از حج برگشت، سوزنی سمرقندی قصیده بلندی در ستایش او گفت که نشان از عظمت وی دارد. اما حتی اگر آن نبود، آگاه بودیم که خاندان ابن مازہ، صدها سال رؤسای حنفیان بخارایی بودند شهری که مرکز تسنن شرق اسلامی و حتی شبه قاره بود. نه فقط از زمان امام بخاری که حتی سده دهم هجری. عبارت ابن مازہ در باره زیارت حضرت حسین (ع) با مقدمه ای در نقل فضیلتی برای اهل بیت (ع) در قالب عبارات فارسی کهن چنین است:

سید شباب اهل الجته ابن البتول و کبد الرسول، الامام السدید و المظلوم الشہید الحسین بن علی - رضی الله عنهما و عن امه و صلوات الله علی جدّه. یکی از سادات، یحیی بن معاذ الرازی را گفت: چه کویی در اهل بیت ما؟ گفت: ما اقول فی طینه عجنت بماء النبوة و شجرة غرست بماء الرسالة، فما يفوح منها الا ریح الهدی و عنبر التقی. فملاء فاه دراً و ادخل فی قبره نوراً و سروراً. عایشه و ام سلمه - رضی الله عنهما - روایت میکند که وقتی مصطفی - علیه السلام - علی را - رضی الله عنه - بنشانند و بشت او بر سینه خود نهاد و بشت فاطمه بر بشت خود نهاد و حسن را بر راست و حسین را بر جب نشانند و گلیمی در جمله کشید، چنانکه هیچ از ایشان بدید نبود. آنگاه روی سوی آسمان کرد و بانگشت تسبیحه اشارت کرد بقبلة دعا، و گفت: خداوندا، اینها اهل بیت من اند و خاصگان من. هر کی با ایشان بصلح است من با او بصلح و هر که با ایشان بحرب است من با ایشان بحرب، اللهم وآل من والاهم و عاد من عاداهم، و انصر من نصرهم و اخذل من خذلهم. و منقول است از مصطفی - علیه السلام - که جبریل حاضر بود و برین دعا آمین کرد، و رسول - علیه السلام - فرمود: نعم.

و امیدوارترین زیارتی درین راه، زیارت حسین است - رضی الله عنه - و منقبت او را نهایت نیست، و بس بود کی این شوق و بزرگواری کی باره [ای] باشد از جگر مصطفی - علیه السلام - کما قال - صلی الله علیه: اولادنا اکبادنا. و تربت با ضیا او بدیه کربلا است، و موضع شهید شدن او ظاهر است، و مشهدی عظیم با نور است و آراسته، و جندین کس از فرزندان او و اقرباء او که شهید شده اند آنجا اند، و عباس بن علی - رضی الله عنهما - آنجاست، و شهید شده است، و امید است کی حق سبحانه و تعالی آنجا دعا را رد نکند، و از دوزخ و نفس اماره آزادی کرامت فرماید.